

سخن امام خمینی (بررسی دلیل اول و دوم بر استحاله استعمال لفظ در اکثر از معنی):

حضرت امام می فرمایند:

«ذهب إلى امتناعه عقلاً كثيراً من المحققين، و إلى عدم جوازه لغةً بعضهم. و ما يكون وجهاً لامتناع أمور»^۱

توضیح :

۱. برخی مثل مرحوم آخوند به استحاله عقلی و برخی مثل مرحوم رشتی به عدم جواز لغوی قائل شده اند.

۲. دلیل هایی را می توان برای این قول بر شمرد.

ایشان سپس ادامه می دهند:

«الأول: ما ذكره المحقق الخراساني رحمه الله و تبعه بعضهم: من لزوم اجتماع اللحاظين الآليين في اللفظ،

و هو محال.»^۲

توضیح :

۱. مرحوم آخوند و گروهی دیگر [مرحوم عراقی در مقالات الأصول، ج ۱ ص ۴۷] گفته اند لازمه این نحوه استعمال، لزوم اجتماع دو لحاظ آلی در لفظ است.

۲. ملازمه مذکور به دو نحوه قابل تصویر است:

۳. بیان اول: استعمال عبارت است از جعل لفظ فانی در معنی و لذا لحاظ لفظ به تبع لحاظ معنی است. پس اگر لفظی در دو معنی استعمال شود، در آن واحد، دو لحاظ تبعی آلی در او وجود خواهد داشت که هر یک از آنها تابع یکی از معناها است. (این بیان از ظاهر مرحوم آخوند استفاده می شود)

۴. بیان دوم: در هر استعمال هم باید لفظ مورد لحاظ واقع شود و هم معنی (چراکه اگر هر یک از این دو لحاظ نباشد،

استعمال شکل نمی گیرد) پس در استعمال در دو معنی، باید دو معنی لحاظ شوند و لفظ هم دو بار لحاظ شود.

پس دو لحاظ آلی نسبت به لفظ پدید آمد. حال: تشخیص هر ملحوظ به لحاظ است همانطور که تعیین لحاظ به

ملحوظ است [یعنی چیزی که لحاظ شده، به وسیله لحاظ موجود می شود و تمایز دو لحاظ با هم به چیزهایی

است که هر کدام آن لحاظ ها در بر دارند. به عبارت دیگر لحاظ ایجاد است و ملحوظ مثل ماهیت، تشخیص

ملحوظ به لحاظ است و تمایز وجودات با هم به تمایز ملحوظات است]

پس اگر یک شیء واحد دو بار لحاظ شود، به این معنی است که یک شیء دوبار موجود شود.

۵. به عبارت دیگر: علم و صورت ذهنیه، یک شیء هستند و علم به شیء یعنی لحاظ آن شیء، حال اگر دوبار

۱. مناهج الوصول؛ ج ۱ ص: ۱۸۰

۲. مناهج الوصول؛ ج ۱ ص: ۱۸۰



بخواهیم به یک صورت ذهنیه (لفظ) علم پیدا کنیم، معنایش آن است یک صورت ذهنیه تبدیل به دو صورت ذهنیه شود.

۶. پس اگر ملحوظ بالذات (معنی) مورد لحاظ واقع شد، به تبع آن ملحوظ بالعرض (لفظ) هم مورد لحاظ واقع شده است، حال اگر دو ملحوظ بالذات در یک زمان مورد لحاظ واقع شوند (اجتماع لحاظین در ملحوظ بالذات) لازم می آید. ملحوظ بالعرض (لفظ) در آن واحد دوبار لحاظ شود یعنی دوبار موجود و منکشف شود.

۷. [به عبارت دیگر بیان دوم این است که: الف) لحاظ لفظ تابعی از لحاظ معنی است. ب) لحاظ یک شیء (چه لفظ و چه معنی) ایجاد آن شیء است. ج) اگر دو معنی در آن واحد لحاظ شده اند، لفظ واحد هم در آن واحد دوبار ایجاد شده است. د) و این یعنی یک شیء به دو وجود موجود شود]

حضرت امام سپس پاسخ می دهند:

«و الجواب: هو منع الملازمة: أما على التقرير الأول: فلأن المراد من تبعية لحاظ اللفظ للمعنى إن كان بمعنى أن المتكلم يتصور المعنى فينتقل منه إلى اللفظ، فلا نسلم أنه يجب أن ينتقل من تصور المعنيين انتقالين مستقلين إلى اللفظ، بل ينتقل منهما إليه انتقالاً واحداً، كالانتقال من اللامين لشيء واحد إليه، و كون الانتقال إلى الملزوم غير آلي لا يوجب الفرق. هذا حال المتكلم. و أما السامع فيكون انتقاله من اللفظ إلى المعنى و إن كان اللفظ آلياً منظوراً به و المعنى مقصوداً بالذات و منظوراً فيه، لكنه في هذا الانتقال يكون المعنى تبعاً متأخراً، فالسامع يسمع اللفظ و يحضر هو في نفسه، و يدركه و ينتقل منه إلى المعنى، و لا يعقل أن ينتقل إلى المعنى قبل اللفظ، كما أن الناظر إلى الكتاب يدرك المكتوب أولاً، و منه يدرك المعنى و إن كان الأول آلةً للثاني. فكما إذا سمعنا من متكلمين دفعة لفظاً تنتقل منه إلى معناه بالضرورة، و لا يلزم منه الجمع بين اللحاظين المستقلين في المعنى، فكذلك في ناحية اللفظ. و بالجملة: لا يلزم من تبعية الانتقال جمع اللحاظين و الانتقالين في اللفظ، كما لا يلزم في المعنى في المثال.»^۱

توضیح :

۱. لازمه استعمال لفظ در اکثر از معنی، جمع بین لحاظین نیست. چراکه:
۲. طبق بیان اول (که لحاظ لفظ را تابعی از لحاظ معنی می دانست): اگر مراد آن است که متکلم ابتدا معنی را لحاظ می کند و از لحاظ معنی به لحاظ لفظ منتقل می شود می گوئیم: در ناحیه متکلم:
۳. قبول نداریم که از لحاظ دو معنی، دو انتقال از معنی به لفظ صورت می پذیرد بلکه از لحاظ دو معنی، یک انتقال به لفظ پدید می آید مثل اینکه از دو لازم یک شیء با یک انتقال به آن شیء می رسیم (إن قلت: رسیدن از گرما

۱. مناهج الوصول؛ ج ۱ ص: ۱۸۲



و نور - دو لازمه خورشید - به خورشید، انتقال از دو ملحوظ استقلالی به یک ملحوظ استقلالی است، در حالیکه در مانحن فیه رسیدن از دو معنی به یک لفظ، انتقال از دو ملحوظ استقلالی به یک ملحوظ آلی است. قلت: این آلی بودن و استقلالی بودن تفاوتی را در بحث ایجاد نمی کند

۴. و اما در ناحیه سامع: اگرچه لحاظ لفظ، لحاظ تبعی و آلی است (مثل آینه منظور به است = به وسیله آن شیء دیگری دیده می شود) و لحاظ معنی مقصود بالذات و استقلالی است (منظور فیه است = به خود آن شیء نگاه می شود) ولی:

۵. لحاظ لفظ قبل از لحاظ معنی است و از شنیدن لفظ منتقل به تصویر معنی می شود (همینطور است در متن مکتوب که دیدن لفظ مقدم بر تصویر معنی است) پس از یک لحاظ لفظ به دو لحاظ معنی منتقل می شویم و نه اینکه دو لحاظ داشته باشیم (همانگونه که اگر دو نفر با هم یک لفظ را گفتند، ما دو لفظ می شنویم و یک معنی به ذهن ما خطور می کند و نه اینکه دو معنی پدید آید، همینطور در استعمال لفظ واحد در دو معنی، یک بار لفظ را لحاظ آلی می کنیم و دو معنی را به صورت استقلالی تصور می کنیم).

۶. [به عبارت دیگر: در ناحیه متکلم:



و در ناحیه سامع:



کما اینکه در جایی که دو تن صحبت می کنند:



ایشان سپس می نویسند:

«و إن كان المراد من التبعية سراية اللحاظ من المعنى إلى اللفظ، حتى يكون في الاستعمال في المعنيين سرايتان، فهو ممنوع بل غير معقول، للزوم انقلاب اللحاظ الاستقلالی، آلیاً. و إن كان المراد أن اللفظ ملحوظ ثانياً

۱. در ناحیه سامع امام از انتقال واحد سخن به میان نیاورده اند ولی مرحوم لنگرودی در جواهر الأصول؛ ج ۲ ص:

۲۳ صراحةً این انتقال را هم واحد می داند.



و بالعرض حتى يكون لحاظ واحد يستند إلى المعنى بالذات و إلى اللفظ بالعرض، فهو - مع كونه خلاف الواقع و خلاف المفروض - لا يلزم منه اجتماع اللحاظين لعدم اللحاظ في اللفظ حقيقة.»^۱

توضیح :

۱. در همان بیان اوّل (لحاظ لفظ تابعی از لحاظ معنی است)، اگر مراد آن است که لحاظ از معنی به لفظ سرایت می کند (یعنی همان لحاظ معنی تبدیل به لحاظ لفظ می شود) و لذا «استعمال در اکثر» لازمه اش دو سرایت است، می گوئیم این امر، غیر معقول است چراکه سرایت کردن لحاظ به معنی آن است که لحاظ استقلالی انقلاب پیدا کند به لحاظ آلی.

۲. و اگر مراد آن است که یک لحاظ بیشتر وجود ندارد که به صورت بالذات به معنی تعلق می گیرد و به صورت بالعرض به لفظ، می گوئیم: اولاً این چنین نیست [چراکه لازمه این سخن آن است که حقیقه لفظ مورد لحاظ قرار نگیرد و لحاظ حقیقه متعلق به معنی باشد] ثانیاً: بر فرض که این سخن درست باشد، به این معنی است که لفظ حقیقه لحاظ نشده است تا بخواهد جمع بین لحاظین شده باشد.

